کتابِ مقدس مسیحیان
(B:1-3)

آشنایی
با
کتابمقدس

فهرست مطالب

نویسندهٔ مجموعه مقالات: آرمان رشدی

آشنایی با کتابِ مقدس مسیحیان

کتابِ مقدسِ مسیحیان چیست؟ چه نوع کتابی است؟ مطالبش چیست؟ محتوایش چه می‌باشد؟ چه کسانی آن را نوشته‌اند؟ در چه زمانی؟ آیا این کتاب معتبر است یا اینکه مورد تحریف واقع شده است؟ در این مقاله، خواهیم کوشید به این سؤالات پاسخ دهیم.

نام آن

کتاب آسمانیِ مسیحیان را «کتابمقدس» می‌نامند. در زبان یونانی، آن را Biblion می‌نامند، یعنی «کتاب عالی». در زبانهای غربی نیز از شکلی از این کلمه استفاده می‌کنند (The Bible در انگلیسی).

دو بخش عمده

کتابمقدس از دو بخش عمده تشکیل یافته است: عهدعتیق و عهدجدید.

عهدعتیق همان کتابی است که نزد ایرانیان به تورات معروف است؛ گاه نیز «تورات و زبور و صُحُف انبیا» نامیده می‌شود. عهدعتیق در واقع مجموعهٔ کتب مقدسهٔ یهودیان می‌باشد.

عهدجدید نیز مجموعهٔ کتب مقدس مسیحیان است که پس از ظهور عیسی مسیح نوشته شد.

عهدعتیق

چرا این بخش از کتابمقدس را عهدعتیق می‌نامند؟ این عنوانی است که مسیحیان بر کتب مقدسهٔ یهودیان نهاده‌اند. علت این نامگذاری این است که این کتاب‌ها حاوی پیمان و میثاق کهنی است که خدا با قوم اسرائیل بست تا ایشان را برای خود قومی مقدس بسازد. وقتی زمان موعود فرا رسید، خدا پیمان و میثاقی نوین منعقد ساخت، اما نه فقط با قوم اسرائیل، بلکه این بار با تمام بشریت. این میثاق نوین را عیسی مسیح برای بشریت به ارمغان آورد. از اینرو، کتاب‌های مسیحی را عهدجدید می‌نامند، یعنی میثاق نوین خدا با بشر.

اما چرا مسیحیان کتاب‌های مقدس یهودیان را جزو کتب مقدس خود به‌شمار می‌آورند؟ علتش این است که مسیحیت بر پایه عهدعتیق بنا شده است. گهوارهٔ مسیحیت دین یهود است. مسیح نیامد تا دینی نو بیاورد. او نیامد تا تورات و کتب انبیای یهود را باطل کند. او آمد تا اصول شریعت موسی و پیشگویی‌های انبیا را که همگی به برقراریِ حکومت خدا بر جهان اشاره داشتند، جامهٔ عمل بپوشاند. عیسای ناصری همان مسیحای موعود و پادشاهِ این حکومت الهی بود. از این روست که مسیحیان تمامی کتاب‌های مقدس یهودیان را از جانب خدا می‌دانند و آنها را معتبر می‌شمارند.

محتوای عهدعتیق

محتوا و مطالب عهدعتیق به‌طور کلی عبارت است از: تاریخ مقدس قوم اسرائیل، احکام و شریعت موسی، وحی‌های انبیا، سروده‌های روحانی، و حکمت الهی.

عهدعتیق شامل ۳۹ کتاب می‌باشد که به ترتیب زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

- تورات: ۵ کتابِ نخست عهدعتیق را تورات می‌نامند. تورات کتاب‌هایی است که موسی نوشته است. در این ۵ کتاب، اصل و نسب قوم یهود از زمان آدم و حوا تا زمان ورود ایشان به سرزمین موعود آمده است. احکام و شریعت موسی نیز در تورات یافت می‌شود. زمان این رویدادها حدود ۳٬۴۰۰ سال پیش است.
- کتاب‌های تاریخی: ۱۲ کتاب بعدیِ عهدعتیق، به شرح رویدادهای تاریخی قوم اسرائیل می‌پردازد. این رویدادها از ورود این قوم به سرزمین موعود تحت رهبری یوشع،

جانشین موسی آغاز می‌شود. سپس شرح داده می‌شود که چگونه بنی‌اسرائیل به‌مدت صدها سال به‌وسیله مردان یا زنانی اداره می‌شد که خدا از میان ایشان بر می‌گزید؛ این افراد «داور» نامیده می‌شدند. در این دوره، قوم اسرائیل پادشاهی نداشت و فقط به‌وسیلهٔ داورانی که خدا منصوب می‌فرمود اداره می‌شد. از حدود ۳٫۰۰۰ سال پیش، خدا به‌دنبال اصرار قوم اسرائیل، پادشاهی به ایشان بخشید. نخستین پادشاه بنی اسرائیل شخصی بود به‌نام شاؤل. پس از او، داود پیامبر به پادشاهی منصوب شد و پس از او، پسرش، سلیمان، آن نبی معروف، بر تخت سلطنت نشست. اما پادشاهان قوم اسرائیل بعد از سلیمان، اکثراً مردانی فاسد و خطاکار بودند. از اینرو، سرانجام خدا این قوم را مجازات کرد و در حدود ۲٫۶۰۰ سال پیش، ایشان را به‌دست پادشاه بابل به اسارت فرستاد. پس از هفتاد سال، طبق پیشگویی ارمیای نبی، این قوم به‌دست کورش پارسی آزاد شدند و به سرزمین خود بازگشتند و به مرمت شهر اورشلیم و بازسازی معبد بزرگ سلیمان پرداختند.

● ۵ کتاب بعدی را کتاب‌های شعری و حکمت می‌نامند. این کتاب‌ها شامل مزامیر داود و سایر مردان خداست که سروده‌های روحانی قوم اسرائیل را تشکیل می‌دهد. کتاب ایوب جزو کتب حکمت است که آن نیز در اصل به‌صورت شعر نوشته شده است. کتاب امثال، جامعه، و غزل غزلها، منسوب به سلیمان می‌باشد و حاوی امثال و حکم و اشعار تغزلی است.

● سپس ۱۷ کتاب از نوشته‌های انبیای یهود قرار دارد. در این کتاب‌ها پیامهای هشدار یا تسلی خدا برای مقاطع خاصی از تاریخ بنی اسرائیل ثبت شده است. علاوه بر این، پیشگویی‌های متعددی نیز در مورد حکومت خدا و مسیحای موعود در آنها وجود دارد.

زمان نگارش عهدعتیق

بدینسان، نگارش عهدعتیق در حدود ۳٫۴۰۰ سال پیش به‌دست موسی آغاز شد و در حدود ۲٫۴۰۰ سال پیش با کتاب ملاکی نبی پایان یافت.

دوران سکوت

پس از ملاکی نبی در حدود ۴۰۰ سال پیش از مسیح، پیامبر دیگری در میان قوم اسرائیل ظاهر نشد. در نتیجه، کتابی نیز نوشته نشد. این دوره را دوره سکوت می‌نامند. تا آنکه در قرن اول میلادی، یحیای تعمیددهنده رسالت خود را آغاز کرد، اما کتابی ننوشت. او آمد تا پیشرو و منادی ظهور مسیحای موعود باشد. به‌همین جهت، یحیی را معمولاً آخرین پیامبر در نظام عهدعتیق به‌شمار می‌آورند، هر چند که او سالها بعد از دورهٔ عهدعتیق می‌زیسته است.

عهدجدید

کتاب‌هایی که حاوی زندگی و تعالیم مسیح و نوشته‌های رسولان او می‌باشد، عهدجدید را تشکیل می‌دهند. عهدجدید شامل ۲۷ جزء یا کتاب است. این کتاب‌ها که نزد ایرانیان مجموعاً به «انجیل» معروف است، به شرح پیمان و میثاق نوینی می‌پردازند که خدا با بشر بست تا او را به‌واسطهٔ جانفشانی عیسی مسیح بر روی صلیب، رستگاری بخشد.

پس از زنده شدن و عروج مسیح به آسمان، رسولان او پیام نجات‌بخشش را به نقاط مختلف جهان می‌رساندند. این پیام این بود که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا با مرگ خود بر صلیب و زنده شدنش، راه بخشایش گناهان انسان و رستگاری او را فراهم آورد. چندین سال پس از عروج مسیح، زمانی که بسیاری از مردم در نقاط مختلف جهان پیام مسیح را پذیرفتند، روح‌القدس رسولان را هدایت فرمود تا آنچه را که تا آن زمان به‌صورت شفاهی تعلیم می‌دادند، به‌نگارش در آورند. بدینسان بود که بخشهای مختلف عهدجدید به نوشته در آمد.

انجیل‌ها

همانطور که گفته شد، زندگی و تعالیم و کارهای عیسی مسیح، قسمت مهم پیام شفاهی رسولان را تشکیل می‌داد. از اینرو، به‌هنگام نوشته شدن این پیام نیز زندگی مسیح قسمت مهمی از عهدجدید را تشکیل داد. در عهدجدید، ۴ کتاب به شرح زندگی و تعالیم مسیح پرداخته است. این کتاب‌ها «انجیل» نام دارند. انجیل واژه‌ای است یونانی به‌معنیِ «مژده».

روح‌القدس چهار نفر از رسولان و پیروان برگزیده را مقرر فرمود تا زندگی عیسی مسیح را از چهار دیدگاه مختلف به‌رشته تحریر در آورند. هر یک از این چهار نفر، انجیل خود را خطاب به گروه خاصی نوشتند. متیٰ کتاب خود را برای مسیحیان یهودی‌نژاد نوشت و به همین علت، در آن بر پیشگویی‌هایی که در مورد مسیح در عهدعتیق آمده بود، تأکید گذارده و او را همان مسیحای موعود معرفی کرده است. مَرقُس همان مطالب را برای مسیحیان روم نوشت. به‌همین علت، می‌بایست مطالب خود را مطابق با روحیه عمل‌گرای رومیها می‌نوشت و از بیان نکات فلسفی اجتناب می‌ورزید. لوقا با هدایت روح‌القدس انجیل خود را برای یونانی‌های فلسفه‌دوست نوشت و از این جهت تأکید زیادی بر تعالیم مسیح گذاشت. یوحنا نیز انجیل خود را برای تمام مسیحیانی نوشت که مشتاق بودند شخصیت و هویت واقعی مسیح را از پس پرده ظاهرِ جسم او بشناسند. از اینرو، او بر بخشهایی از زندگی و تعالیم مسیح را تأکید می‌گذارد که الوهیت و پسر خدا بودن او را نشان می‌دهند.

چرا ۴ انجیل؛

بسیاری از وقایع زندگی مسیح و تعالیم او در هر ۴ انجیل نقل شده‌اند، اما در بعضی از انجیل‌ها این مطالب با تفصیل کمتر یا بیشتر آمده‌اند. برخی وقایع نیز منحصراً در یک انجیل ذکر شده است. برای مثال، شرح تولد یحیی تعمیددهنده فقط در انجیل لوقا آمده است. یا موعظه بالای کوه مسیح، در انجیل‌های متی و لوقا نوشته شده، اما لوقا آن را به‌صورت خلاصه‌تر ضبط کرده است. نهایتاً وقتی مطالب هر چهار انجیل راکنار هم می‌گذاریم، شرح کاملی از زندگی و تعالیم مسیح به‌دست می‌آوریم. به این ترتیب، در ضمن اینکه هر یک از این انجیل‌ها هدف اولیه خود را در میان خوانندگان و مخاطبین نخستینِ در آن روزگار عملی می‌ساختند، برای دوره‌های بعدی نیز تصویر تمام‌قدی از عیسی مسیحِ نجات‌دهنده به‌دست می‌دهند. نتیجه آنکه انجیل یعنی مژده رستگاری انسان یکی است، اما چهار نفر تحت الهام الهی آن را نگاشتند.

در حدود نیمی از حجم عهدجدید را انجیل‌ها تشکیل می‌دهند.

کتاب اعمال رسولان

پنجمین کتابِ عهدجدید «اعمال رسولان» نام دارد. در این کتاب، چگونگی گسترش تدریجی پیام مسیح از اورشلیم تا سرزمینهای مجاور، و از آنجا تا قلب امپراطوری روم،به‌اختصار تشریح‌شده است.

رسالات

۲۱ جزء بعدیِ عهدجدید را «رساله» می‌نامند. این رساله‌ها نامه‌هایی هستند که پولس و پطرس و چند رسول دیگرِ مسیح به کلیساهای مختلف نوشته‌اند تا آنها را راهنمایی کنند و مشکلاتشان را برطرف نمایند.

کتاب مکاشفه

آخرین کتاب عهدجدید، «مکاشفهٔ یوحنای رسول» نام دارد. این کتاب شرح رؤیایی است که خدا به یوحنا نشان داد تا مسیحیان را از امور آینده آگاه سازد. گرچه در این کتاب از تصاویر فوق‌بشریِ بسیاری استفاده شده است، اما پیام اصلی آن این است که در نهایت، شیطان و نیروهایش مغلوب خواهند شد و ملکوت و فرمانروایی خدا بر عالم هستی برقرار خواهد گردید.

زمان نگارش عهدجدید

نگارش عهدجدید از حدود سال ۵۰ میلادی آغاز شد. طبق نظر محققین، نخستین جزئی از عهدجدید که نوشته شد، احتمالاً رساله اول پولس رسول به کلیسای تسالونیکی (واقع در یونان امروز) است. آخرین کتاب عهدجدید، یعنی مکاشفهٔ یوحنا نیز احتمالاً در حدود سال ۹۰ میلادی نوشته شده است. به این ترتیب، نگارش عهدجدید حدود ۴۰ سال به‌طول انجامیده است.

۹
ویژگی منحصربه‌فرد کتابمقدس

کتابمقدس از ویژگی‌یی برخوردار است که آن را منحصربه‌فرد می‌سازد.

کتابمقدس یک «شهادت‌نامه» است، شهادت‌نامهٔ یک ملت در طول مدت زمانی حدود ۱٫۵۰۰ سال. این ملت همانا قوم اسرائیل است که به‌واسطهٔ آنان یکتاپرستی اکنون در سراسر جهان انتشار یافته است. کتابمقدس شهادت این قوم است در مورد کارهایی که خدا در میانشان انجام می‌داد.

کتابمقدس فقط وحی مُنزَل به یک نبی نیست که در گوشه خانه‌اش نوشته شده باشد. برای مثال، وقتی خدا وحی‌یی بر موسی نازل می‌کرد و با او سخن می‌گفت، دیگران یا شاهد ماجرا بودند یا می‌توانستند بازتاب آن را مشاهده کنند. هنگامی‌که موسی بر فراز کوه سینا، ده فرمان را از خدا دریافت می‌کرد، قوم اسرائیل به چشم می‌دیدند که کوه پوشیده از دود و آتش است. هیچیک از این اتفاقات و هیچیک از این وحی‌ها در خفا رخ نمی‌داد و هیچیک نیز بی‌ارتباط به وقایع معاصر نبود. به‌همین دلیل، درستی یا نادرستیِ پیام یک نبی را می‌شد به‌راحتی مورد تحقیق قرار داد.

به‌عبارت ساده‌تر، می‌توانیم بگوییم که کتابمقدس فقط «حرف‌های خدا به انسان» نیست؛ این کتاب علاوه بر وحی‌های الهی (احکام نازله و نبوت‌های انبیا)، شرح اتفاقاتی است که «یک ملت» شاهدش بودند. بسیاری از این رویدادها در همان زمان به نوشته در می‌آمد. لذا مطالب کتابمقدس حالت افسانه و اسطورهٔ گذشتگان را ندارد. تورات موسی شرح رخدادهایی است که در زمان نگارش روی می‌داد. بلاهایی که بر مصریان نازل گشت، باز شدنِ دریا در مقابل بنی‌اسرائیل، نزول احکام خدا بر موسی زمانی که کوه سینا در آتش می‌سوخت و از صدای رعد به خود می‌لرزید، و هزاران رویداد دیگر، در مقابل چشم صدها هزار نفر از قوم اسرائیل رخ داد و نه فقط در تورات نوشته شد، بلکه سینه به سینه نیز منتقل گشت. اگر موسی در نوشتن آنها خطایی می‌کرد، مشایخ قوم متوجه آن می‌شدند.

انجیل‌ها نیز صرفاً حاوی تعالیمِ خصوصیِ مسیح به شاگردانش نیست، بلکه شرح معجزاتی است که در حضور انبوه مردم صورت می‌گرفت. هزاران هزار نفر به‌دست او شفا

یافتند و ایشان برای دهها سال، شاهد زنده برکارها و تعالیم او شدند. نام بسیاری از آنها به‌عنوان مدرک در انجیل‌ها آمده است. نام «بارتیماؤس» به این علت در انجیل آمده چون او در زمان نگارش انجیل‌ها زنده بود و می‌توانست شهادت دهد که عیسی بینایی‌اش را به او باز گردانده است. یا وقتی در انجیل می‌خوانیم که شخصی به‌نام شمعون قیروانی صلیب عیسی را حمل کرد، نام او به این دلیل نوشته شد تا خوانندگان بتوانند درستیِ ماجرا را از او تحقیق کنند. وقایع این «شهادت‌نامه» در خلوت رخ نداد. پولس، آن رسول برجسته و دلیر عیسی مسیح، هنگامی‌که در حضور بزرگان کشوری محاکمه می‌شد، فرمود: «پادشاهی که در حضور او به‌دلیری سخن می‌گویم، از این امور مطلع است چونکه مرا یقین است که هیچیک از این مقدمات بر او مخفی نیست، زیراکه این امور در خلوت واقع نشد» (اعمال ۲۶:۲۶). مرگ و زنده شدنِ عیسی مسیح در خفا واقع نشد، بلکه در مقابل چشمان شاهدانی که در زمان نگارش انجیل‌ها زنده بودند.

به‌علاوه، کتابمقدس شرح رابطهٔ زنده و شخصیِ خدا با انسانهاست، انسانهایی که گاه در اوج ایمان و تقوا بودند و گاه در لغزش و سست‌ایمانی. شرح این روابط که تحت الهام الهی نوشته شده‌اند، آشکارکنندهٔ اراده و قصد متعالی خدا برای بشر است.

بدینسان، می‌توان به‌حق گفت که کتابمقدس کتابی است فراسوی وحی‌ها و الهامات انتزاعی؛ کتابی است مبتنی بر رابطهٔ زنده و شخصی خدا با انسانها. حتی وحی‌ها و مزامیر (سروده‌های روحانی) آن نیز همه مرتبط به اوضاع و احوال معاصرین است. محتوای آن را مردم در طول ۱۵ قرن تجربه کردند و زیستند.

کتابمقدس به‌راستی شهادت‌نامهٔ یک ملت است در طول ۱٫۵۰۰ سال. از این جنبه، کتابمقدس در میان سایر کتب مذهبی منحصربه‌فرد است.

کتابمقدس، آشکارسازندهٔ ارادهٔ خدا بر انسان

پیش از هر چیز، باید این مسأله به‌طور عمیق درک شود که خدا مایل است خود را به بشر آشکار سازد و با او سخن گوید. خدا می‌خواهد با انسان مصاحبت و ارتباط داشته باشد. خدا، خدایی است که سخن می‌گوید و خود را مکشوف می‌سازد. اما خدا چگونه با انسان سخن می‌گوید و خود را آشکار می‌فرماید؟

شناخت خدا از طریق طبیعت

خدا، وجود و اراده خود را از چند طریق به انسان آشکار ساخته است. خدا از راه طبیعت با انسان سخن گفته است. در طبیعت می‌توان مکاشفه‌ای را از خدا مشاهده کرد. کلام خدا در این خصوص می‌فرماید: «چیزهای نادیده او یعنی قوت سرمدی و الوهیتش از حین آفرینش عالم بوسیله کارهای او فهمیده و دیده می‌شود تا ایشان را عذری نباشد» (رومیان ۱:۲۰). باز در جای دیگری می‌فرماید: «آسمان جلال خدا را بیان می‌کند و فلک از عمل دستهایش خبر می‌دهد» (مزمور ۱۹:۱).

شناخت خدا به‌واسطهٔ وجدان

به‌علاوه، خدا از طریق وجدان انسان نیز با او سخن می‌گوید. انسان به‌طور ذاتی از وجود خدا آگاه است. هر شخص در درون خود احساس می‌کند که وجود برتری هست که خالق همه چیز می‌باشد. معیارهای اخلاقی نیز گویا در وجدان انسان حک شده و او را به‌سوی انجام راستی دعوت می‌کند. پولس رسول نیز می‌فرماید که شریعت و احکام خدا حتی در دل بی‌دینان نیز مکتوب است و وجدان ایشان گواه است بر احکام الهی (رومیان ۲:۱۴و۱۵).

نارسایی این طرق

بلی، خدا از بیرون بوسیله کائناتی که آفریده است صحبت می‌کند، و از درون توسط وجدان انسان. اما آیا انسان به حقایق الهی موجود در طبیعت و به ندای وجدان خود پاسخ

مثبت می‌دهد؟ آیا طبیعت و وجدان به تنهایی انسان را به‌سوی شناخت ذات خدا و اراده او هدایت کرده است؟ واقعیت این است که انسان با وجود دسترسی به نور تابانی که در خلقت هست، خدا را ترک کرده و به ضد او قیام کرده است. خدا بقدر کافی برای شناساندن خود، روشنایی بخشیده است تا کسی ادعا نکند که او بی‌انصاف است. اما انسان با میل خود، نور طبیعی را رد کرده و خود را به هلاکت ابدی سپرده است. پس این خدا نیست که انسان را به جهنم می‌فرستد، بلکه این خود انسان است که از خدا می‌خواهد او را تنها بگذارد، چون می‌خواهد مطابق میل خود زندگی کند. وقتی خدا با ناراحتی و بی‌میلی، انسان را به حال خود وامی‌گذارد، جز نابودی و ارتداد و جهنم، چیزی برای او باقی نمی‌ماند. بنابراین، طبیعت و وجدان به تنهایی نمی‌توانند انسان را به‌سوی خدا رهبری کنند.

مکاشفهٔ کامل خدا در مسیح

از اینرو خدا بر آن شد که خود را از طریق فرزندش عیسی مسیح به بشر آشکار سازد و او را به‌سوی خود فرا خواند. کلام خدا در این زمینه توضیح داده می‌فرماید: «خدا در ایام قدیم، در اوقات بسیار و به راههای مختلف بوسیله پیامبران با پدران ما تکلم فرمود. ولی در این روزهای آخر بوسیله پسر خود با ما سخن گفته است» (عبرانیان ۱:۱و۲ ترجمه جدید فارسی). خدا رستگاری انسان را از طریق فرزندش عیسی مسیح مهیا کرده است. او تنها وسیله نجات بشر از گناه و محکومیت ابدی است.

نقش کتابمقدس

اما یگانه راه برای آشنایی با پیام نجات‌بخش مسیح، کتابمقدس است. در کتابمقدس است که چهره مسیحِ نجات‌دهنده آشکار شده است. از کتابمقدس است که در می‌یابیم خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود یعنی عیسی را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. از کتابمقدس است که درمی‌یابیم عیسی مسیح آمد تا با مرگ خود بر صلیب، باعث شود خدا گناهان انسان را ببخشد و او را به فرزندی بپذیرد. از کتابمقدس است که پی می‌بریم عیسی مسیح چهره قابل رؤیتِ خدای نادیده است و فقط

اوست که می‌تواند خدا را آنطور که هست بر انسان آشکار سازد. این پیام نجات، فقط از طریق کتابمقدس آشکار می‌شود. بنابراین، کتابمقدس آشکارکنندهٔ خاص حقایق الهی است.

پس اگر کسی می‌خواهد خدا را بشناسد و بداند که خدا برای انسان و نجات او چه طرحی دارد، باید به کتابمقدس رجوع نماید. اینجاست که اهمیت کتابمقدس به‌طور کامل آشکار می‌شود.

کتابمقدس چگونه الهام شده است

اما حال که به اهمیت کتابمقدس در زمینه مکاشفه الهی پی بردیم، این سؤال مطرح می‌شود که خدا چگونه کتابمقدس را به انسان بخشید یا به‌عبارت دیگر خدا کتابمقدس را چگونه به پیامبران الهام کرد؟ الهام چیست و چگونه صورت گرفته است؟

معنی الهام

در مورد الهام، دو آیهٔ مهم در کتابمقدس هست که آنها را در اینجا نقل قول می‌کنیم؛ پطرس رسول در مورد الهام می‌فرماید: «نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح‌القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۲۱:۱). پولس رسول نیز می‌فرماید: «تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است» (دوم تیموتاؤس ۱۵:۳ و ۱۶).

کلمهٔ الهام که در اینجا به‌کار رفته، در اصل به معنی «خدا دمیده» می‌باشد. در کتابمقدس، منظور از دم یا نَفَس خدا، همان روح‌القدس است. در واقع خدا پیام خود را از طریق روح‌القدس بر انبیاء دمیده است. خدا به‌وسیله روح‌القدس در انسان می‌دمد تا او با چنان دقتی سخن بگوید یا بنویسد که حاصل کار او به‌درستی منظور خود خدا را منعکس سازد. به این ترتیب، انبیا که نویسندگان کتابمقدس هستند، تحت نفوذ و قدرت روح‌القدس که روح خداست، قرار گرفتند. روح‌القدس فکر و ذهن ایشان را در دست گرفت و سخنان خدا را در فکر ایشان قرار داد تا آن را به‌رشته تحریر درآورند، به‌طوری که آن پیام مصون از خطا بماند. روح‌القدس اشخاص را آنچنان در گزینش موضوع و کلمات هدایت کرده که کلماتی که آنان به‌کار گرفته‌اند، در واقع کلمات خود خدا می‌باشند.

از این آیات چنین نتیجه می‌شود که خدا خود منشأ کتابمقدس است. روح‌القدس عاملی است که توسط آن کتابمقدس عطا شده و انسان وسیله‌ای است که به هدایت روح، کتابمقدس را به رشته تحریر در آورده است.

تصور نادرست در مورد الهام

اما در اینجا نکته‌ای وجود دارد که باید حتماً روشن شود. اغلب اوقات، وقتی درباره الهام و وحی سخن به میان می‌آید، ممکن است این تصور ایجاد شود که نویسندگان کتابمقدس به‌هنگام دریافت وحی، هویت و اراده خود را از دست می‌دادند و تبدیل به وسیله‌ای بی‌جان در دست روح خدا می‌شدند و این وسیلهٔ بی‌جان، پیام خدا را می‌نوشت. به‌عبارت دیگر تصور می‌شود که نویسندگان کتابمقدس، مانند قلمی بی‌جان در دست خدا بودند و خدا بدون توجه به میزان سواد و سطح درک و فرهنگ آنها، کلمات خود را به ایشان القا می‌کرد. اگر بخواهیم در قالب اصطلاحات امروز سخن بگوییم، می‌توان گفت که برخی تصور می‌کنند نویسندگان کتابمقدس ماشین تحریری بودند که روح‌القدس پیام خدا را با آن تایپ می‌کرد.

نقش نویسندگان

چنین تصوراتی از نحوه وحی و الهام نادرست بوده، خلاف کتابمقدس می‌باشد. روح‌القدس به‌هنگام انتقال پیام خدا به ذهن نویسندگان، سواد و معلومات و قوه درک و فرهنگ ایشان را در نظر می‌گرفت. به‌عنوان مثال وقتی روح خدا می‌خواست مطلبی را به نویسنده الهام کند، کلماتی به‌کار نمی‌برد که نویسنده معنی یا املای آن را نداند. یا مطالبی الهام نمی‌کرد که برای فرهنگ نویسنده ناآشنا یا نامأنوس باشد.

مطالب الهام شده، با خصوصیات اخلاقی، سبک نگارش و احساسات نویسنده هماهنگی داشت. در واقع انبیایی که نویسندگان کتابمقدس هستند، پیام الهام‌شده را لااقل از نظر مفهوم ظاهری و کلمات کاملاً درک می‌کردند و سپس آن را می‌نوشتند. به همین دلیل، قسمت‌های مختلف کتابمقدس از نظر سبک نگارش با یکدیگر تفاوت دارند. نوشته‌های سلیمان حکیم با نوشته‌های عاموس چوپان، و کتب پولس فیلسوف با پطرس ماهیگیر متفاوت است. اما آنچه که مهم است این است که تک تک کلمات نوشته شده در کتابمقدس الهام مستقیم خداوند است و هیچگونه اشتباه و خطا در آن راه ندارد.

از اینروست که می‌توان با یقین کامل اعلام کرد که کتابمقدس تنها مرجع معتبر برای

اعتقادات مسیحی است. کتابمقدس تنها وسیله‌ای است که در آن پیام خـدا بـرای نـجات و رستگاری بشر مکشوف شده است. کتابمقدس قانون کامل ایمان و عمل مسیحی است.

خوانندگانی که علاقمندند در مورد کتابمقدس مطالعات بیشتری انجام دهند،

می‌توانند از منابع زیر استفاده کنند:

- کتابمقدس را بهتر بشناسیم..
- آشنایی با کتابمقدس...
- شناخت کتابمقدس و کلیسا..
- روش تفسیر کتابمقدس...